

استشادهای قرآنی امام صادق (ع) علیه جریان‌های انحرافی

معصومه معینی*

چکیده

عصر امام صادق علیه‌السلام با گسترش جریان‌های فکری و عقیدتی منحرف مصادف شده بود، از این‌رو، بیم تضعیف عقاید شیعیان می‌رفت. یکی از شیوه‌های مقابله امام با این نحله‌های انحرافی، استفاده از شواهد قرآنی بود. هدف این مقاله، بیان تأثیر امام معصوم به‌عنوان عدل قرآن و آگاه به تفسیر دقیق و کامل آیات الهی، در هدایت مردم و جلوگیری از گمراهی آنان در چنین شرایطی است، که با روش توصیفی و مطالعه متون دینی و تاریخی، ضمن معرفی مهم‌ترین جریان‌ها و تفکرات انحرافی این عصر، استشهادات قرآنی حضرت در ردّ آن‌ها را ذکر کرده است. نتایج بیانگر آن است که جریان زنداقه، غلو، معتزله، تجسیم و مرجئه جبریه، در این دوران رواج زیادی داشت و امام صادق علیه‌السلام با پاسخ به شبهات سران این تفکرات و پرسش اصحاب خود درباره افکار انحرافی، نقشی بی‌بدیل در حفظ اندیشه اسلامی شیعی ایفا نمود.

کلیدواژه‌ها: استشهادات قرآنی، عقاید، جریان‌های انحرافی.

مقدمه

در قرن اول و دوم هجری با گسترش فتوحات اسلامی، شبهات و عقاید انحرافی رایج در سرزمین‌هایی فتح شده نیز در میان مسلمانان پدیدار شد. از این‌رو، عصر امام صادق علیه‌السلام با گسترش جریان‌های فکری و عقیدتی مختلف در جامعه اسلامی مصادف شده بود؛ جریان‌هایی مانند مرجئه، صوفیه، معتزله و حنفیه و مالکیه. از این‌رو، شبهات گوناگون در زمینه مسائل دینی به وجود آمده بود که بیم انحراف فکری و اعتقادی شیعیان می‌رفت. در این هنگام بود که امام صادق علیه‌السلام، هادی برگزیده الهی، جهت زدودن این تفکرات از جامعه اسلامی اقدام می‌نمود.

مبارزه علمی، منطقی و دینی امام صادق با این جریان‌ات گرچه منجر به حذف کامل آنها نشد؛ اما در به حاشیه‌راندن آنها و برجسته‌سازی اندیشه شیعی و مصونیت شیعیان از افتادن به دام شبهات گوناگون اعتقادی و فکری نقش بی‌بدیل داشت. یکی از شیوه‌های مبارزاتی امام صادق علیه‌السلام، برای حفظ عقاید شیعی، استفاده از آیات قرآن کریم بود، که بیانگر شناخت عمیق و کامل امام معصوم نسبت به معارف قرآنی است.

در مورد موضوع رویارویی امام صادق با جریان‌ات انحرافی زمان پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که برخی مانند مقاله «گونه‌شناسی فرقه‌های الوهیت‌انگار در دوره امام صادق (ع) و چگونگی رویارویی امام با ایشان» (احمد کچایی، ۱۳۹۳: ۶۰-۳۳) به دنبال بازشناخت گونه‌های متنوع غالیان الوهیت‌انگار در عصر امام صادق (ع) و نحوه مواجه حضرت با ایشان است. مقاله «دفاع امام صادق از قرآن در برابر شبهات زنادقه» (محمد شعبانپور، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۴۷)، تلاش نموده تا شبهات این جریان را به‌همراه پاسخ‌های امام صادق (ع) بیان کند.

مقاله «شیوه قرآنی مناظرات امام صادق (ع)» (سیده فاطمه حسینی میرصفی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۳۹)، مناظره و شیوه‌های مختلف آن در سیره امام صادق (ع) را با استفاده از متون تاریخی و روایی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. کتاب حکایات و مناظرات (محمدرضا منصوری، ۱۳) نمونه‌هایی از مناظرات اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان دین از گذشته تا حال را با افراد مختلف ذکر کرده است. در کتاب پیشوای صادق (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳) تلاش شده است تا با استدلال‌های تاریخی اثبات شود که امام صادق (ع) از سیاست دوری نداشته و هرگز با حاکمان وقت سازش نکرده است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته، هر یک پژوهش‌های پیشین یک جریان و فرقه انحرافی را مورد مطالعه قرار داده یا در رد تفکرات انحرافی به شواهد قرآنی و روایات تفسیری وارد شده از حضرت اشاره نداشته‌اند. در این مقاله سعی بر این است که با بررسی منابع تاریخی و متون دینی، ضمن معرفی برخی از مهم‌ترین و رایج‌ترین افکار و عقاید انحرافی آن عصر، استشهدات قرآنی امام صادق علیه‌السلام، به‌عنوان عدل قرآن و آگاه به تفسیر دقیق و کامل آیات الهی، در روشنگری افکار عمومی و جلوگیری از گمراهی مردم، به‌ویژه شیعیان، بیان شده و به این سؤال پاسخ داده شود که مهم‌ترین جریانات اعتقادی و فکری عصر امام صادق (ع) کدام جریان‌ها بودند و ایشان در رد آن‌ها به کدام آیات قرآن کریم استشهد و استدلال می‌نمود؟

مهم‌ترین جریان‌های انحرافی در عصر امام صادق (علیه‌السلام)

۱. زنادقه

در مبارزات مکتبی، کاربرد واژه زندیق مسلماً با سوءاستفاده همراه بوده است. با این‌همه می‌توان گفت که این لفظ بجا یا نابجا به صاحبان هرگونه طرز فکری اطلاق می‌شد که شریعت و حدیث را اساس عقاید خود قرار نمی‌دادند. به‌طور کلی پیروان آیین ثنوی که فتح ایران به‌دست مسلمانان صورت تازه‌ای بدان داده بود، روافض که تأویل را افراطی به کار می‌بردند، بدبینان و اباحتیان، و دهریان یا منکران خدا و کسانی که نسبت به وحی یا سنت موضع انتقادی داشتند و در میان امت مسلمان منبع فساد یا اغتشاش به حساب می‌آمدند زندیق خوانده شدند.^۱

زندق، کافری را گویند که کفر خود را پنهان و به اسلام تظاهر می‌کند، و نیز به معنای کسی که به شریعتی معتقد نیست و قائل به قدیم بودن عالم می‌باشد، آمده است؛ چنان که به برخی اصناف کفار همچون ثنویه اطلاق شده است.^۲ حدیثی از سعید بن مسیب از پیامبر در معرفی قدریه است که آنها را زنادقه و کافران به خدا و قرآن و قائلان به شرک که خیر را از خداوند و شر را از ابلیس می‌دانند معرفی کرده است. پیامبر می‌فرماید: زنادقه بر طبق اعتقادشان کتاب

۱. تابان، نور، زنادقه در سده‌های نخستین اسلامی، ج ۱، ۴۷۸-۴۵۵.

۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۹۳؛ حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، ج ۵، ص ۵۶؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، ج ۱۰، ص ۵۲۲.

خدا را می‌خوانند و بعد از ایمان کافر می‌شوند. از جانب آنها دشمنی و جدل به امت خواهد رسید. در میان آنان، متعبد نیز وجود دارد. آنها زنادقه این امت در زمان خودشان هستند. امیرالمؤمنین هر که را که در ذات خدا بیندیشد، زندیق می‌نامد. امام صادق کسی را که به برخی اصول اعتقادی شیعه پایبند نباشد، گرچه محمدی علوی فاطمی باشد زندیق و بی‌دین می‌داند. تیز از امام صادق چنین آمده که ایشان کفر جحد را قول دو گروه از زنادقه دانسته که می‌گویند پروردگار و بهشت و دوزخ وجود ندارد. آنها دهریه و کسانی‌اند که می‌گویند: مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ^۴ و دینی برای خود مقرر کرده و از روی سلیقه و گمان و بدون کاوش در اطرافش بدان معتقد شده‌اند.^۵

با جستجو در منابع اسلامی می‌توان زنادقه را در دوران اسلامی به زنادقه عام و خاص تقسیم بندی کرد: زنادقه خاص، پیروان ادیان ایرانی هستند که دیصانیه، مانویان، مزدکیان و خرمدینان زردشتیان و دیگر فرق مربوط به ادیان ایرانی‌اند. از این نوع می‌توان به ابن مقفع، بابک خرمدین، ابن ابی العوجا و مطیع بن ایاس اشاره کرد. زنادقه عام، منکران اصول و ضروریات اسلام هستند و در هر زمان، خود به دسته‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند.^۶

۱-۱- استشهاده قرآنی امام صادق (ع) در ردّ عقاید زنادقه

هشام بن حکم می‌گوید: ابن ابی العوجاء و ابوشاکر دیصانی و عبدالملک بصری و ابن مقفع در خانه خدا جمع شدند، حاجیان و قرآن را به تمسخر گرفتند. ابن ابی العوجاء به یاران خود گفت: بیایید ما چهار نفر سعی کنیم هریک ربع قرآن را نقض کنیم تا کل قرآن را باطل کرده باشیم و وعده‌گاه ما سال دیگر همین موقع و همین‌جا. قرآن که نقض شد، نبوت محمد که آن را معجزه خود قرار داده، نقض کرده‌ایم و نبوت او که نقض شد، اسلام باطل می‌شود و اسلام که باطل شد، حرف ما که عالم را صانع نیست، ثابت می‌شود. آنها با هم قرار گذاشته و هر کدام به طرف وطن خود رفتند. سال آینده نزد خانه خدا جمع شدند. ابن ابی العوجاء گفت: من از پارسال تا الآن،

۱. طبرانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۶۲۴۵/ متقی هندی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۰، ح ۱۵۹۶

۲. کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۸ ص ۲۲.

۳. صدوق ۱۳۶۱ ق، ص ۲۱۳

۴. جائیه: ۲۴

۵. کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۲، ص ۳۸۹، باب وجوه الکفر، ح ۱.

۶. دهقان منگابادی، بمانعلی، صفری، حسین، بررسی نقش زنادقه در جعل حدیث، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۵۱.

تمام فکرم در این آیه بود در مورد برادران یوسف که «فَلَمَّا اسْتِیْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا»^۱ او گفت هرچه فکر کردم که مانند آن را بیاورم که دارای آن فصاحت و جمع معانی باشد، نتوانستم و تفکر در این یک آیه نگذاشته که من به آیه دیگری فکر کنم. عبدالملک گفت: من از پارسال که از نزد شما رفتم، همه فکرم در این آیه بود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ»^۲ ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند، هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید نمی‌توانند آن را پس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.

ابوشاکر دیصانی گفت: وقتی از نزد شما رفتم همه فکرم در این آیه بود: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^۳ اگر غیر از خدای یگانه، خدایان دیگری که شما می‌گویید، بودند زمین و آسمان فاسد می‌شدند و من نیز قدرت آوردن کلامی مثل آن را ندارم. ابن‌مقفع گفت: رفیقان این قرآن از جنس کلام بشر نیست. من هم وقتی که از نزد شما رفتم، تمام فکرم بر این آیه مشغول بود که پس از طوفان نوح و هلاک مردمان گفته شد: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۴ ای زمین! آبت را فروبر و ای آسمان، از آب ریختن دست نگه‌دار؛ و آب فرونشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی پهلوی گرفت و (در این هنگام) گفته شد: دور باد قوم ستمگر. گذشته از آنکه نتوانستم مثل آن بیاورم، تمام نکات و محسنات آن را نیز نفهمیده‌ام.

هشام بن حکم می‌گوید: در این بین که آنها با هم مشغول مذاکرات بودند، امام صادق (ع) از کنار ایشان گذشت و این آیه را برای آنها خواند: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۵ «بگو اگر جمع شوند همه انس و جن برای اینکه مثل این قرآن بیاورند، نمی‌توانند، هر چند آنکه پشتیبان همدیگر باشند.»

۱. یوسف: ۸۰.

۲. حج: ۷۳.

۳. انبیاء: ۲۲.

۴. هود: ۴۴.

۵. اسراء: ۸۸.

۴-۱- استشهد قرآنی امام صادق(ع) در برابر عقاید مکتب تجسیم

امام صادق در گزارشهایی که درباره اختلافات متکلمان کوفه در این موضوع به وی میرسید عامدانه و آگاهانه به ذکر نص آیات قرآن بسنده میکرد اما در مقام تبیین نظر خود تأکید میفرمود که صفات از ازل در ذات خدا بوده است علم از ازل در ذات خدا بوده است بی آن که معلومی در کار باشد و سمع در ذات او بوده بی آن که مسموعی در کار باشد و بصر در ذات او بوده بی آن که مبصری در کار باشد و قدرت در ذات او بوده بی آن که مقدوری در کار باشد و وقتی اشیا را خلق کرد و معلوم پیدا شد علم او بر آن معلوم تعلق گرفت و سمع او بر مسموع و بصر او بر مبصر.^۲

در روایت است که عبدالملک بن اعین، از عراق نامه به امام صادق (ع) نوشت: گروهی در عراق خدا را به موجودی که دارای صورت و حد و مرز است توصیف می کنند، فدایت شوم، اگر صلاح میدانی، مذهب و توحید صحیح را برای من بنویس. وی می گوید: امام(ع) برای من نوشت: «مشمول رحمت خدا قرار گیری از توحید و آن چه افرادی قبل از تو بدان روی آور شده اند سؤال کرده ای، خدا برتر از آن است که او را توصیف کرده اند لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای بیناست^۳ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ خدا منزّه است از آن چه او را وصف می کنند»^۴ و به خلق او را تشبیه میگردانند و به ذات حق افترا وارد مینمایند. خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد این را بدان، عقیده و مذهب صحیح در توحید همان است که در قرآن آن را بیان فرموده و صفات خدا را معرفی کرده است، آن چه را درباره خدا غیر این است، نفی کن و ذات حق از هر گونه تشبیه و تبدیل پیراسته بدان، خداوند ثابت و پای برجاست از آن چه او را توصیف می کنند برتر و بالاتر است. از آن چه قرآن درباره خدا بیان فرموده تخطی و تجاوز نکنید، که گمراه و حیران می شوید.^۵

در روایت دیگر، امام صادق(ع) ضمن مثالهایی با اشاره به عدم توانایی چشم در مشاهده کامل برخی از امور حتی دنیوی، باورهای کسانی را که معتقدند خداوند دیده میشود رد کرده و به

۱. سید احسان موسوی خلخالی، نعمت اله صفری فروشانی، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۱: ۱۰۱-۱۰۳؛ صدوق، بیتا: ۱۴۰.

۲. همان، ر.ک: صدوق، بیتا: ۱۳۹؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۱: ۱۰۷؛ نیز رک پاکتچی، ۱۳۸۹.

۳. شوری: ۱۱.

۴. مؤمنون: ۹۱.

۵. الکافی، ۱۰/۲؛ الامام الصادق(ع) والمذاهب الاربعه، ۳۸۲/۱.

قاعده اولویت آن را ناممکن می‌شمارد امام در موارد متعدد، مجازی بودن کاربرد عین و بصر و کوری در قرآن را یادآور شده و آنها را تفسیر درست میکنند. لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ۚ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ. بدین ترتیب، امام در تفسیر آیات و عبارات متشابه قرآنی، معنای صحیح آنها را مشخص و قول مشبهه را رد می‌فرماید.^۱

نتیجه‌گیری

این مقاله، با هدف بیان نقش امام صادق علیه السلام، به‌عنوان عدل قرآن و مفسر آگاه به تفسیر دقیق و کامل قرآن کریم، و هدایتگر برگزیده الهی در جلوگیری از گمراهی مردم، استشهادات قرآنی امام صادق در ردّ جریان‌های انحرافی فکری و عقیدتی رایج در عصر ایشان را مورد مطالعه قرار داد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، استنباط می‌شود که:

۱- پس از فتوحات، جریان‌های گوناگون و باورهای غیر توحیدی به جهان اسلام وارد شدند. این اندیشه‌ها به تدریج با برخی از برداشت‌های مسلمانان از آموزه‌های دینی، آمیخته شدند و سبب شکل‌گیری باورهای نادرست گردیدند. به نظر می‌رسد اگر امام صادق (ع) با تسامح از کنار فرقه‌های انحرافی می‌گذشتند، مذهب امامیه از قاموس فکری مسلمانان حذف می‌گردید و یا امامیه فرقه‌ای در میان فرقه‌های غالی معرفی می‌شد.

۲- مبارزه علمی، منطقی و دینی امام صادق با این جریانات گرچه منجر به حذف کامل آنها نشد؛ اما در به حاشیه‌راندن آن‌ها و برجسته‌سازی اندیشه شیعی و مصونیت شیعیان از افتادن به دام شبهات گوناگون اعتقادی و فکری نقش بی‌بدیل داشت.

۳- قرآن دریای بیکرانی است که هر کس هر مقدار بخواهد می‌تواند از معارف آن بهره‌مند شود و این دریای معرفت از هر نوع تناقض‌گویی و شبه‌ای مبرا است و اگر دست انسان به غواصان معرفت آن برسد که مصداق بارز آن در عصر مورد بحث، امام صادق (ع) بودند از معارف بلند آن بهره‌مند خواهد گردید.

^۱. انعام: ۱۰۳ و ۱۰۴.

۴- از تحلیل و بررسی استشهاد های قرآنی امام صادق(ع) با گروه های مختلف استنباط می شود که راه ایشان همان راه قرآن است و روش ایشان در مناظرات کلامی مانند اهل بیت(ع) راهی میانه است.

منابع

*قرآن کریم.

۱. ابن منظور، لسان العرب،
۲. تابان، نور، زنداچه در سده های نخستین اسلامی، ۱۳۶۶: ۴۷۸-۴۵۵.
۳. محمود، تقی زاده داوری، (۱۳۸۵). تصویر امامان شیعه در دایره المعارف اسلام: دفتر نشر شیعه شناسی
۴. جعفریان، رسول، (۱۳۷۱)، مرجئه: تاریخ و اندیشه، اصفهان: نشر خرم
۵. حاجی زاده، یدالله، (۱۳۹۴). غالیان و شیوه های برخورد امامان معصوم (ع) با ایشان، تهران: دفتر نشر معارف
۶. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام،
۷. حقانی زنجانی، حسین، (۱۳۷۲). عقائد فرقه مرجئه و علل کفر آنان، در سهایی از مکتب اسلام، شماره ۱۱
۸. دهقان منگابادی، بمانعلی، صفری، حسین، بررسی نقش زنداچه در جعل حدیث، ۱۳۹۰
۹. صفری، نعمت الله، (۱۳۸۲)، غلو و غالیان عصر ظهور در آئینه منابع، نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۶
۱۰. سبحانی، جعفر، حیات علمی و سیاسی امام صادق علیه السلام، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال شانزدهم
۱۱. قاضی نعمان، دعائم الاسلام،
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۱۳. صدوق، اعتقادات الإمامیه،
۱۴. صدوق، علل الشرایع،
۱۵. صدوق، من لا یحضره الفقیه،
۱۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین،

۱۷. علیدوست خراسانی، نورالله، (۱۳۹۱). پرتوی از زندگانی امام صادق، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)
۱۸. السبحانی، الشیخ جعفر، بحوث فی الملل و النحل: موسسه النشر الاسلامی
۱۹. فراهیدی، العین،
۲۰. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام،
۲۱. مجلسی، بحار الانوار،
۲۲. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه،
۲۳. موسوی خلخالی سید احسان، نعمت اله صفری فروشانی، (۱۳۹۴)، متکلمان امامی عصر امام صادق و مسئله صفات خداوند، انجمن کلامی اسلامی حوزه.
۲۴. نعمانی، الغیبه،
۲۵. ابن ابی عاصم، کتاب السنه.
۲۶. متقی هندی، علی؛ کنز العمال: تحقیق بکری حیانی صفوة السقاء : بیروت: مؤسسة الرسالة ، بی تا.
۲۷. طبرانی، سلیمان ابن احمد ابن ایوب المعجم الكبير؛ تحقیق حمدی عبدالحمید سلفی، ج ۲، قاهره ابن تیمیه بی تا.
۲۸. شعبانپور، محمد، ۱۳۹۰، دفاع امام صادق(ع) از قرآن در برابر شبهات زنداقه، فصلنامه سراج منیر
۲۹. ولوی، علیمحمد. (۱۳۶۷). تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، جلد دوم، تهران: انتشارات بعثت.
۳۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۴۱۶ق). الملل و النحل، جلد ۱، قاهره: مکتبه الانجلوالمصریه.
۳۱. عطوان، حسین. (۱۳۷۱) فرقه های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: انتشارات آستان قدس.
۳۲. زهدی، جاراالله. (۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م). معتزله، قاهره.
۳۳. خیاط، عبدالکریم، الانتصار، به کوشش نیبرگ، قاهره، ۱۳۴۴ ق / ۱۹۲۵
۳۴. ابن منظور، لسان العرب
۳۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام
۳۶. خمینی، روح الله، کتاب الطهارة: موسسه تنظیم و نشر امام خمینی(ره)
۳۷. الطباطبائی الحکیم، السید محسن، مستمسک العروة الوثقی.
۳۸. الصفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات
۳۹. پاکنجی، احمد (۱۳۷۷) اسما و صفات تکمله - صفات الاهی در علم کلام»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴۰. سبحانی، محمد تقی (۱۳۹۱) کلام امامیه ریشه ها و رویشها نقد و نظر
۴۱. قوام کرباسی، اکبر (۱۳۹۱) مدرسه کلامی کوفه نقد و نظر
۴۲. ولا دوست بیتا (۱۳۸۷) تشبیه و تنزیه» دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

٤٣. شيخ صدوق، محمد بن علي، (بي تا)، التوحيد، تصحيح سيدهاشم حسيني طهراني، بيروت، مؤسسة
الاعلمي

٤٤. كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٣)، الكافي، تصحيح علي اكبر غفاري، دار الكتب الاسلاميه.

٤٥. حيدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ١.